

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

شبحی ناخواسته از گذشته تلخ

گردهم آبی‌هایی بمنظور تأمین اصل تفاهم و گفتگو
آغاز سده ۲۱ و مسأله تأمین صلح در کشور

اما واگرهایی در مورد تأمین صلح پایدار در کشور
موضعگیری‌های متغیر دول کشورهای همجوار
سبک و سنگین نمودن وضعیت داخلی
بیم‌ها و امیدواری‌ها

شوربختانه که اندیشه و عمل مان هنوز دنباله رو سده‌ها
قبل است و دیدگاه و نحوه موضعگیری‌های ما هم از ضعیف
ترین‌ها در سطح کشورهای جهان می‌باشد. تا اندیشه و
طرز نگاه مان را بروز نسازیم، هیچگاهی روی خوشبختی
نخواهیم دید و شبح‌هایی بر فضای کشور عزیز ما همچنان در
گشت و گذار خواهند بود.

قبل از طرح و بررسی اصل مطلب مورد نظر، باید یادآوری بعمل آید که موفقیت‌های سال‌های اخیر گرو
ها و سیاستمداران پوپولیست در کشورهای غربی، می‌تواند مبانی دموکراسی در این جوامع را با خطر مواجه
سازد. پوپولیسم جدید نتیجه مشکلات جدی در کشورهای غربی محسوب می‌گردد که نباید آنرا پدیده گذرا ارز
یابی نمود. همچنان که طی سال ۱۸۴۸، "شبحی در اروپا در گشت و گذار بود". تمامی قدرت‌های اروپایی
بمنظور مقابله با این شبح به "اتحاد مقدس" اقدام نمودند، زیرا که همه قدرت‌های اروپایی "شبح" یادشده را،
نیروی واقعی و بالقوه ارزیابی می‌نمودند.

با الهام از این نمونه تاریخی، می‌توان ادعا نمود که شبح دیگری در اروپا گشت می‌زند. "شبح پوپولیسم"
تحولات سال‌های پسین در کشورهای غربی گواه می‌دهد که نیروی سیاسی "جدیدی" در تلاش بمنظور تسخیر
قدرت دولتی می‌باشد. این نیروی سیاسی را می‌توان "پوپولیسم" سده بیست و یکم نامید. در سال ۲۰۱۶ ما
شاهد پیروزی این نیروی سیاسی در جریان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، پیروزی دونالد ترامپ در ایالات
متحده، شکست مائورنسی در ایتالیا برای تغییر قانون اساسی این کشور و در استقبال فزاینده‌ی رأی‌دهندگان از
نیروهای پوپولیست در اغلب کشورهای اروپایی بودیم.

اگر بصورت مشخصتر به مسأله مورد بحث بپردازیم، موضوع را چنین دنبال خواهیم نمود که اما در سرز مین ما افغان ها متأسفانه جنگ وزد و خوردهای مسلحانه، دزدی و آدم ربایی و انواع جنایات سازمان یافته، فقر دامنگیر، نبود امنیت، عدم دسترسی هموطنان به خدمات صحتی و امکانات بهداشتی، سطح نازل تعلیم و تربیه در کشور، نبود شغل، بیکاری مزمن در کشور عزیز ما و صدها مورد دیگر، وارد مراحل نهایت حساس و تعیین کننده گردیده است. در این مورد باید علاوه نمود که از یکجانب ایالات متحده با سرگردانی ذایدالوصفی، تلاش های تب آلودی را بمنظور اتخاذ پالیسی و تغییر نحوه عملکردهایش در کشور ما انجام داده و از جانب دیگر، کشور های منطقه، هر کدام در پی دستیابی به منافع ژئوپولیتیک و ژئو پولیتیک شان در کشور ما مشغول رقابت ها وزد و بندهایی می باشند. فراموش خاطر ما نباید گردد که "طالب" ها به تاریخ ۲۷ ماه سپتامبر سال ۱۹۹۶ و با به قدرت رسیدن در صدد ایجاد و برپایی امارت اسلامی در کشور شده و در نهایت امر، در حدود ۹۰ درصد از اراضی کشور را تحت اداره و کنترل شان قرار دادند. در چنین اوضاع و شرایط، "اتحاد شمال" نیز با تمامی امکانات موجود، در جهت مقابل و مخالف آنها قد افراشت. در این میان، اقلیت های قومی نیز بصورت آگاهانه علیه "طالب" ها به مقاومت و تداوم مبارزه پرداخته و بیش از پیش در امر متذکره ثابت قدم گردیدند.

"طالب" ها بمنظور برسمیت شناختن رژیم شان، تلاش های وسیعی بخرچ دادند. آنها بدین منظور، طی سال ۲۰۰۰ زرع و کشت خشخاش و تولید مواد مخدر را ممنوع نموده و بر مزارع کشت خشخاش نظارت بعمل آوردند که در نتیجه طی سال ۲۰۰۱ تولید مواد مخدر به ۱۸۵ تن تقلیل حاصل نمود.

اما واقعات و حوادث تراژیکی که به تاریخ ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در نیویارک و واشنگتن رخ داد، نه تنها باعث تغییر وضعیت در کشور ما شد، بلکه بسیاری از بخش های جهان نیز دستخوش تحولاتی گردید. اداره ایالات متحده، "القاعده" برهبری اسامه بن لادن را که در چنین وضعیتی، "طالب" ها به نامبرده پناه داده بودند، مسؤول انفجار های متذکره پنداشته و خواستار استرداد نامبرده به مقامات واشنگتن گردیدند، اما با خودداری "طالب" ها از تحویلدهی نامبرده، اداره جورج دبلیو بوش با سرهم بندی نمودن و ترتیب عملیات بزرگ جنگی، نظامیان آن کشور از هوا و زمین بر اراضی کشور ما هجوم آورده و حاکمیت "طالب" ها را نیز سرنگون نمودند. گردانندگان این جنگ، انگیزه چنین اقدامی را مبارزه فیصله کن و قاطع علیه تروریسم بین المللی، مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر و جلوگیری از تخطی های حقوق بشری و مقابله با زیرپا نمودن نورم های حقوق بین الدول عنوان نمودند.

قابل تذکر می باشد که قطعنامه نمبر ۱۳۶۸ شورای امنیت سازمان ملل در نوع خود نخستین واکنش سازمان ملل در مورد مسایل مربوطه، بتاريخ ۱۲ ماه سپتامبر سال ۲۰۰۱ در اجلاس عمومی شورای متذکره به تصویب رسیده و در آن بصورت قطع، انجام اقدامات تروریستی در نیویارک، واشنگتن و ایالت پنسلوانیا محکوم گردیده و تمامی کشورهای جهان را در مورد ساخت و ساز مشترک در امر مقابله با خطرات تروریستی فراخوانده تا آمادگی شان را در اجرای عملکرد یادشده ابراز نمایند.

در قطعنامه نمبر ۱۳۷۳ شورای امنیت که طی جلسه ای بتاريخ ۲۸ ماه سپتامبر سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید، شامل فیصله هایی در مورد عدم ارائه تأمینات مادی تروریست ها و مسدود نمودن دارایی های آنها و همچنان ارائه کمک و تداوم مبادله اطلاعات بمنظور جلوگیری از انجام اقدامات تروریستی و اعلام آمادگی در امر مبارزه علیه آنها و عدم در اختیار گذاشتن اراضی شان در خدمت تروریستان می گردید.

قطعنامه یادشده، بصورت یک کل، آغاز اقدامات ضد تروریستی در کشور ما را بنیاد نهاد. از عملیات متذکره تعداد ۷۰ کشور اعلام پشتیبانی نموده که از آنجمله بتعداد ۴۴ کشور بصورت مستقیم آمادگی شان را در امر سهمگیری در عملیات یادشده و فرستادن نظامیان کشور هایشان چه بمنظور شرکت در امر مبارزه و چه بمثابه

نیروهای کمکی، ابراز داشتند. بمنظور شرکت در انجام عملیات نظامی "آزادی پایدار"، علاوه بر ایالات متحده، کشور های بریتانیا، کانادا، استرالیا، آلمان و فرانسه نیز اعلام آمادگی نمودند.

بتاریخ ۷ ماه اکتوبر سال ۲۰۰۱، ایالات متحده و بریتانیا با ریختاندن بمب هایی بر مواضع "طالب" ها در اراضی کشور ما، آمادگی شان را در امر مبارزه علیه تروریسم ابراز داشتند که در نوع خود بمثابه آغاز عملیات تحت نام "آزادی پایدار" مسماً گردید. در زمینه متذکره، مواضع و تأسیسات نظامی "طالب" ها و "القاعده" در شهر های کابل، کندهار، هرات و جلال آباد مورد حملات راکتی و پرتاب بمب قرار گرفته که در زمینه همچنان با حمایت و پشتیبانی مستقیم "جبهه متحد" در اراضی کشور ما از طریق زمین نیز عملیات نظامی صورت گرفت و در نتیجه، همه شهر های بزرگ کشور از وجود "طالب" ها پاکسازی گردید.

عملیات نظامی "آزادی پایدار" در اراضی کشور ما بتاریخ ۱۲ ماه نوامبر سال ۲۰۰۱، زمانی که "اتحاد شما ل" تحت رهبری مارشال فهیم و عبدالرشید دوستم به کابل و کندهار وارد شدند، آغاز گردید. پس از مدتی، چنین بنظر رسید که بمباردمان محلات کلیدی و زیر ساخت های نظامی "طالب" ها بمنظور زدودن نقش و اثر آنها که طی یک ماه صورت گرفت، کافی بنظر رسید. اما نیرو های "طالب" بصورت قطعی و کامل نابود نگردیده، بلکه آنها کابل را ترک نموده و عمده ترین بخش های نیرو های عملیاتی آنها در ولایت های جنوبی و جنوب شرقی کشور ما جابجا و مخفی گردیده و پوتانسیل های نظامی و حربی شان را نیز همچنان حفظ نمودند. وضعیت در کشور بیش از هر زمان دیگر چه در عرصه امنیتی و چه در عرصه نظامی بوخامت گرایید. از آغاز سال ۲۰۰۲، عمده ترین عملیات ضد تروریستی در مناطق جنوبی و شرقی کشور بمنظور نابود کردن بقایای "طالب" ها و "القاعده" راه اندازی گردید. طی ماه جنوری سال ۲۰۰۲، امریکایی ها ۵ هزار نفر اضافی بتعداد نظامیان شان در کشور ما افزوده که تعداد متذکره الی ماه اگست همان سال به ۸ هزار نفر ارتقا نمود. نیرو های ویژه عملیاتی ایالات متحده که تعداد آنها به ۱۰۰۰ تن می رسید، با استفاده از وسایل زرهی، عهده دار انجام عملیات نظامی گردیدند.

همچنان امریکایی ها در انجام عملیات های نظامی، از نیروی قوای هوایی بشمول هواپیما های بدون سر نشین بمنظور نظارت از فعالیت ها و در نهایت بمنظور نابودی شورشی ها نیز وسیع کار گرفتند. در نتیجه، تعداد بیشماری از قوماندان های شورشیان در نتیجه حملات هوایی اینچینی به قتل رسیدند. از آغاز سال ۲۰۰۲ و اشنگتن بصورت متناوب به ایجاد و تقویت تیم های بازسازی محلی اقدام ورزید که بسیاری از دست اندر کاران ملکی و نظامی ایالات متحده و کشورهای متحد در آن شرکت ورزیده و عمدتاً در محلات و مناطق پر جمعیت کشور جابجا گردیدند. وظیفه آنها بمفهوم وسیع کلمه، احیای اقتصاد محلات و بازسازی مجدد عنوان گردید، اما در واقعیت امر، نیرو های متذکره وظایف استخباراتی را انجام داده و اطلاعات و اخبار نظامی - سیاسی را عمدتاً از مناطق و محلاتی که ایالات متحده در آنها حضور نظامی نداشت، گردآوری می نمودند. در ماه های پسین سال ۲۰۰۹ بتعداد ۲۶ تیم بازسازی محلی در ولایت های بادغیس، وردک، غزنی، هرات، هلمند، غور، ذابل، کندهار، کنر، لغمان، ننگرهار، پکتیکا، پکتیا، پروان، ارزگان، خوست و بامیان مصروف اجرای خدمات مورد نظر بودند.

در مدت زمان متذکره، رقم مجموعی نیرو های ائتلاف در کشور ما بتعداد ۱۱ هزار نفر تخمین گردیده و مرکز فرماندهی آنها نیز در کابل موقعیت داشت که از آنجمله در جمع متذکره بتعداد ۱۰ هزار نفر از نظامیان امریکایی حضور داشتند. نظامیان ۱۵ کشور دیگر نیز جز این نیرو ها محسوب می گردیدند. بمنظور هماهنگی بیشتر فعالیت های نظامی، پنتاگون، نیرو های عملیاتی - تاکتیکی ائتلاف را تشکیل نمود. قوماندانی نیرو های یاد شده در گام نخست در بگرام مستقر شده و اما بعدن در ماه فبروری سال ۲۰۰۴ به کابل منتقل گردید.

بخش های نظامی تیم های بازسازی ولایتی در ولایت ها و بخش های جنوبی و جنوب شرقی کشور، بویژه در محلاتی که فعالیت ها و عملیات های خاص بمنظور جستجو و نابود کردن نیروهای "طالب" ها صورت می گرفت، موقعیت داشت. در این میان، تعداد مجموعی نظامیان ویژه امریکایی به یکهزار نفر بالغ می گردید که با پیشرفته ترین سلاح و تجهیزات نظامی مجهز بودند. در مجموع، بمنظور تخریب مواضع تشدد طلب ها، از عملیات هوایی و هواپیماهای بدون سرنشین نیز وسیع استفاده بعمل آمد. تیم های متذکره بمنظور ایجاد زیرساخت های نظامی در کندهار، بگرام و هرات نیز به اقدامات وسیعی متوسل گردیدند.

همچنان نباید فراموش نمود که در پاکستان نیز بخش هایی از نیروهای امریکایی مستقر بود که عمدتاً وظایف تأمینات و تدارکات را عهده دار بوده و بمنظور اجرای وظایف متذکره، بخصوص در عرصه تدارکات و تأمینات نظامی از میدان های هوایی موجود در کشورهای قرغیزستان و تاجیکستان نیز وسیع استفاده بعمل می آمد. در میدان هوایی مناسب واقع در بیشکیک، قوت های نظامی فرانسه و ایالات متحده جابجا گردیده بودند. در همانجا، شفاخانه نظامی کوریای جنوبی نیز اعمار گردید. در میدان هوایی شهر دوشنبه، هواپیماهای انتقالی - نظامی فرانسه در حال نشست و برخاست بود و بیشترین نظامیان و قوت های جنگی، بویژه نیروهای واکنش سریع را به مناطق مورد نظر منتقل می نمود. نظامیان جمهوری فدرال آلمان نیز از میدان هوایی ازبکستان بمنظور تأمین هدف یادشده استفاده بعمل می آوردند.

انجام عملیات های گسترده نظامی و حربی به گونه متناوب علیه مخالفان مسلح سبب گردید تا آنها به جنگ های تدافعی متوسل گردند، چون نیروهای امریکایی با استفاده و بکارگیری از نیروهای هوایی و فرود آوردن قطعات پراشوتی به محلات و مناطق تجمع تشددگراها، موفق گردیدند تا با تطبیق و اجرای عملی طرح های مورد نظر اجتماعی - اقتصادی، به نتایج معینی نیل آیند.

باید یادآور گردید که اصل مسأله تأمین امنیت در کشور ما، ضرورت تشکیل نیروهای منحصربفرد تأمین امنیت در افغانستان (ایساف) را در دستور روز قرارداد که بتاريخ ۲۰ ماه دسامبر سال ۲۰۰۱، مطابق قطعنامه مه نمبر ۱۳۸۶ شورای امنیت سازمان ملل و براساس توافقات بین پایه گذاری گردید. با توجه به وظایف نظامیان ایساف، آنها در کابل و مناطق اطراف و نواحی آن بمنظور تأمین امنیت و حفظ و نگهداری از ارگان های دولتی و کارمندان سازمان ملل مؤظف گردیدند.

قابل تذکر می باشد که در آغاز امر، نیروهای بین المللی تأمین امنیت در افغانستان (ایساف)، بمثابه ساختار مستقل و فارغ از نظارت و کنترل ایالات متحده و ناتو پا بعرصه وجود گذاشته و از قابلیت های بسیار اندکی بر خوردار بودند. با وجود آنهم، ایساف موافقت نمود تا وظایف و رسالت های نظامی را میان ۱۷ کشور تقسیم نموده و بهر کدام سهم معینی در امر مورد نظر در کشور ما اختصاص دهد. در مدت زمان یاد شده، تعداد مجموعی نظامیان ایساف به ۵۵۰۰ تن بالغ می گردید که شامل نظامیان کشورهای آسترلیا، بلژیک، بلغاریا، دنمارک، فنلند، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، هالند، ذیلاند جدید، ناروی، پرتگال، رومانیا، هسپانیه، سویدن و ترکیه می گردید.

قطعنامه نمبر ۱۳۸۶، حدود مسوولیت تأمین امنیت نیروهای ایساف را ساحه کابل و مناطق اطراف آن بشمول میدان هوایی نظامی بگرام، تعیین و مشخص نمود. وظایف و مسوولیت های آنها را از جمله حفظ و نگهداری ساختمان های دولتی و همچنان حراست از سفارت خانه های کشورهای خارجی و تأسیسات بین المللی در کابل تشکیل می داد. قطعنامه نمبر ۱۵۱۰ مورخ ۱۳ ماه اکتوبر سال ۲۰۰۳، ساحه مورد نظر را به مناطق اطراف و نواحی کابل نیز گسترش بخشید. در نتیجه، توافق بعمل آمد تا ساحه پاسخگویی ایساف/ ناتو، وسعت حاصل نماید که چنین وضعی در گام نخست شامل مناطق و ولایت های شمال کشور و پس از آن در برگیرنده ولایت های جنوبی کشور نیز گردید. در آغاز ماه اگست سال ۲۰۰۶، "فاز سوم" بگونه رسمی به

انجام رسیده و مسوولیت های ایساف / ناتو، ولایت های جنوبی کشور رانیزمورد پوشش قرار داد. بدینترتیب، در جنوب کشور در حدود ۱۰ هزار نظامی بشمول ۴,۶ هزار نفر نظامی های بریتانیا، ۲,۲ هزار کانادایی و ۱,۶ هزار هالندی جابجا گردیدند. پایان "فاز چهارم" با وسعت ساحه مسوولیت نیروهای بین المللی به مناطق شرقی کشور، در ماه اکتوبر سال ۲۰۰۶ صورت گرفت. قابل یاددهانی می باشد که تعداد مجموعی نظامیان ۴۷ کشور از جمله ۱۰ کشور خارج از ناتو به ۱۲۰ هزار نفر تخمین می گردید. آخرین مرحله ("فاز چهارم") با گسترش ساحه مسوولیت نیروهای ائتلاف در شرق کشور طی سال ۲۰۰۶ به انجام رسید. باخطر باید داشت که تعداد مجموعی نیروهای بین المللی تأمین امنیت در کشور ما طی سال ۲۰۱۰ نیز در حدود ۱۲۰ هزار نفر تخمین می گردید.

بتاریخ ۱۶ ماه اپریل سال ۲۰۰۳ شورای ناتو بمثابه عالیترین مقام رهبری پیمان متذکره، فیصله بعمل آورد تا فعالیت های نیروهای بین المللی تأمین امنیت (ایساف)، تحت رهبری ناتو قرار گیرد. بتاریخ ۱۱ ماه اگست سال یادشده، فیصله یادشده از قوه بفعل مبدل گردید. یک سال پس از آن، بتاریخ ۱۷ ماه سپتامبر سال ۲۰۰۴، شورای امنیت، چنین انتقال مسوولیت ها را جنبه رسمی بخشید. همچنان طی قطعنامه نمبر ۱۵۶۳ نیز از چنین اقدامی پشتیبانی بعمل آمده و مورد تأیید قرار داده شد. بنابراین، ناتو در اینمورد، قوماندانی ستراتیژیک عملیات فوق را عهده دار گردیده و مسوولیت هماهنگی و تنظیم عملیات ها را متقبل گردیده و اما متأسفانه که جنگ در کشور عزیز ما همچنان تداوم حاصل نموده و بویژه از مردمان بی دفاع ملکی قربانی می گیرد.

بصورت تکرار مجدد یادآور باید شد که این جنگ، جنگ ما نیست، بلکه جنگیست که بر پیکر کشور محبوب ما افغانستان عزیز تحمیل گردیده و بمنظور دستیابی به اهداف ستراتیژیک قوت های بزرگ و در رأس بمنظور دستیابی به اهداف جهانخواران سرمایه بین المللی طرح ریزی گردیده و از آغازین سپیده دم های سال های نخست سده ۲۱ بدینسو در اراضی کشور ما راه اندازی گردیده و با ابهت و شدت بی سابقه ای همچنان تداوم حاصل نموده و از افغان ها قربانی می گیرد.

قابل یادآوری می باشد که در مورد ختم جنگ و پایان برخوردهای مسلحانه اصلن سخنی در میان نمی باشد، بلکه همیشه نقشه چگونگی جنگ و پیشبرد عملیات نظامی و جنگی روی میز عملیاتی گردانندگان محاربه کنونی قرارداد، تا از یکسو دال بر اثبات موجودیت مخالفان مسلح بوده و بنابراین، موجودیت و حضور نظامی ایالات متحده و نیروهای همسوی آن توجیه گردیده که معتاد بودن جهان سرمایه را به داشتن دشمن (حتا خیالی) عملن به اثبات می رساند، ورنه، بن لادن کجا و "طالب" ها کجا و کوه های توره بوره کجا و تشکیل امارت اسلامی کجا و تطبیق احکام طالبانی کجا و ارتباط انفجار بمب های جاگذاری شده در ساختمان های نیویارک و واشنگتن کجا و... کجا؟

به چه نحوه ای اینها به چشم جهان و جهانیان خاک زده و اعمال و کرده های شنیع شان را از اذهان و انظار باشندگان دنیای کنونی پنهان نگهداشته و چنین می پندارند که برنده میدان بوده و در تسخیر قلوب مردم کشور شان و فریب همه ی جهان و جهانیان موفق و کامگار بوده و جام های سعادت و خوشبختی را به قیمت زندگی و حیات انسانها که اشرف مخلوقات می گویندش، سر می کشند.

نشخوار نمودن مکرر و پیوند چنین ارتباط های نامأنوس، اصلن کار ساز نبوده و دردی را دوا نخواهد نمود. این امر را صرفن می توانند بمنظور آرامش خاطر شان تداوم بخشیده که در نتیجه می توان آن را بمثابه شبی ناخواسته از گذشته تلخ دست اندرکاران اقدامات یادشده به حساب آورد.